

بررسی پیوند میان لهجه لری منطقه ی کهگیلویه و بویراحمد با فارسی میانه ، زبان انگلیسی و زبان عربی

یوسف نیک روز<sup>۱۹</sup>

چکیده

یکی از نشانه های جامعیت ادبی یک سرزمین متمدن و با سابقه ، استفاده از فرهنگ ، آداب ، رسوم ، ضرب المثل ها و لغات و اصطلاحات عامیانه و بومی در آثار مثنوی و منظوم بوده که متاسفانه این مهم به وسیله نویسندگان و شاعران پارسی زبان به دلایل مختلف نادیده انگاشته شده است و در واقع آن را نشانه تنزل پایه ادبی خود می پنداشتند و چنین روشی را خارج از قلمرو ادبیت سخن می دانستند. این رویه ی متداول باعث فراموشی سنت های پیشین و لغات و اصطلاحات محلی و بومی که هر کدام می توانست در انتقال مفاهیم و موضوعات مختلف و اساسی سهم به سزایی داشته و زبان را از ورود نامحدود واژه های بیگانه و غیر ضرور پالایش دهد ، شده است .

این در حالی است که سخن سنجان ادبی می گویند سخن بلیغ آن است که عوام بفهمند و خواص بپسندند و همچنین در باره ی سقراط نوشته اند ایشان اندیشه های خود را به زبان مردم کوچه و بازار

<sup>۱۹</sup> استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج [ynikrouz@yu.ac.ir](mailto:ynikrouz@yu.ac.ir)

می نوشت. بنا بر این ضرورت اجتناب ناپذیر است که نویسندگان و شاعران علاقه مند به احیای زبان شیرین پارسی در حفظ و پاسداری و استعمال لغات و اصطلاحات محلی و عامیانه اهتمام جدی نشان دهند تا گنجینه ی ارزشمندی از این گونه واژه ها برای آیندگان فراهم آورند. ویلهلم گایگرمستشرق آلمانی می گوید «زبان فارسی اگر بخواهد از گنجینه ثروتمند لهجه های محلی خود مدد بگیرد اصلاح و تغییر صورت بزرگی خواهد یافت» ( به نقل از فرهنگ لغات عامیانه جمال زاده ص ۱۸ )

مقاله ی حاضر که در باره ی یکی از پرقلمرو ترین ، قدیمی ترین و همچنین نزدیک ترین زبان (لهجه ) به فارسی باستان و فارسی میانه بوده کوششی است در این جهت . امید است مورد اقبال خوانندگان خوش ذوق قرار بگیرد و راهی را برای رسیدن به این هدف مقدس (احیای لغات و اصطلاحات بومی و محلی ) گشوده باشد .

«قوم لر به دو زبان لری و لکی صحبت می کنند . زبان لری زبان طوایف لر بزرگ است که شامل استان های کهگیلویه و بویراحمد ، چهار محال و بختیاری ، بخش اعظم استان خوزستان ، بخشی از استان فارس و اصفهان و بوشهر می باشد . و زبان لکی مربوط به لر کوچک است که استان های لرستان ، ایلام و بخش هایی از استان همدان از جمله نهاوند ، ملایر و تویسرکان را در بر می گیرد .» (امان الهی ، ۱۳۷۴، ص ۷۶) « این زبان ( لکی ) باز مانده زبان باستانی ایرانیان "اشکانی -هخامنشی" است .»

(عسکری عالم ، ۱۳۸۴، ص ۷)

زبان لری شاخه ای از زبان های جنوب غربی می باشد. « در بین زبان های جنوب غربی ایرانی ، زبان لری نزدیک ترین رابطه را با فارسی دارد که هر دوی آن ها دنباله ی پارسی میانه است تکستون

معتقداست زبان لری نزدیک به هزار سال پیش یا کمتر از زبان فارسی منشعب شده است . « ( امان

الهی ، ۱۳۷۴ ، ۵۳ )

هنری راولنسون اولین کسی است که به طور دقیق از رابطه ی بین زبان لری با زبان فارسی باستان ( که منشا فارسی میانه است ) پرده برداشت و بدین سان متوجه پیوستگی قومی پارسیان باستان و لرها شد .

( راولنسون ، ۱۳۶۰ ، ۱۵۵ ) این مهم نشان می دهد که خاستگاه فارسی دری که متاسفانه برخی

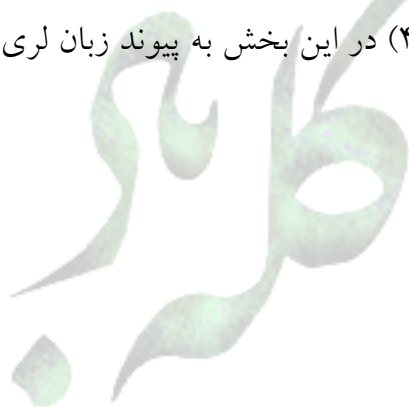
محققان از جمله ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات جلد ۱ ص ۱۶۰ و بهار در سبک شناسی جلد ۱ ص

۱۲۲ شرق ایران یعنی خراسان دانسته اند ، جنوب غرب بوده است . « کریستن سن نفوذ زبان ساسانیان

را مربوط به استقرار سپاهیان ایران در منطقه ی خراسان جهت مقابله با اقوام مهاجم آسیای مرکزی (

خیونان ) می داند « ( صادقی ، ۱۳۵۷ ص ۴۱ ) در این بخش به پیوند زبان لری با فارسی میانه می

پردازیم



#### ۱- رابطه ی زبان لری با فارسی میانه:

زبان لری را با توجه به تفاوت های داخلی به سه گروه عمده می توان تقسیم کرد : الف- لری بختیاری

ب- لری بخشی از مناطق لرستان ج- لری کهگیلویه و بویر احمد

از میان گروه های سه گانه ، زبان لری منطقه کهگیلویه و بویر احمد به دلیل داشتن ذخیره ی واژگانی و

ساخت نحوی و آوایی مشترک با زبان فارسی میانه و فارسی امروزی ، پیوندی بسیار نزدیک با آن ها

دارد به طوری که خیلی از کسانی که لر نیستند این لهجه را بهتر متوجه می شوند تا سایر لهجه های لری مناطق لر نشین را.

این زبان ، بسیاری از واژگان زبان های کهن ایرانی به خصوص فارسی میانه را که بعضا به فارسی امروزی نرسیده است حفظ کرده که برای بهتر خواندن متون پهلوی سودمند است. در زیر تعدادی از واژگان مشترک زبان فارسی میانه و زبان لری منطقه کهگیلویه و بویر احمد را ذکر می کنیم تا دقیق تر به این ارتباط بسیار نزدیک پی ببریم . (لازم به توضیح است واژه های موجود در این پژوهش در واژه نامه گویش بختیاری و فرهنگ واژگان لکی بررسی و واژه های مشترک نشان داده شده است .)

فارسی میانه	زبان لری	معادل فارسی امروزی
Gar	گر	تپه ی سنگی
این واژه در فرهنگ واژگان لکی به همین صورت و معنی آمده است . ( عسکری عالم ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۹۵)		
Suhr	سهر	سرخ
Mury	مور	علف - چمن
vir	ویر	یاد و حواس
این واژه در فرهنگ لکی به همین معنی آمده است . ( عسکری عالم ، ۱۳۸۴ ، ۲۴۰)		
mazg	مزگ	مغز
Bruk	برگ	ابرو
culak	کله	ملخ

تکان خوردن	جمبسن	Jumbitan
دیروز	دیگ	dig
شغال	توره	Turak
بیضه	گند	Gond

این واژه در زبان لکی و واژه نامه گویش بختیاری به صورت "گن" ( gon ) وارد شده است .

عسکری عالم ، ۱۳۸۴، ۲۰۱ و سرلک ۱۳۸۱ ، ص ۳۵۵ )

گنجشک	بنگشت	Vingest
چادر سیاه که با موی بز دزست	بهون	Viyan
زیاد	مهلی	Mahlah
ورم کردن - آماسیده	پندوم	Pandum
ابر	اور	Awr

این واژه در واژه نامه بختیاری و لکی به همین صورت آمده است

ادرار	میسه	Mesak
آب گیر (جای عمیق رود	برم	Varm

( خانه )

این مقایسه نشان می دهد ، زبان لری منطقه ی کهگیلویه و بویر احمد نسبت به سایر لهجه های لری مناطق مختلف ، پیوند بسیار نزدیکی با فارسی میانه دارد زیرا چنین واژه هایی در لهجه های ایرانی جنوب غرب نیامده است همچنین این پیوند نشان می دهد که منشا اصلی فارسی دری که شکل تکامل یافته ی فارسی میانه است منطقه جنوب غرب بوده است .

## ۲- رابطه ی زبان لری با زبان انگلیسی

زبان های هندو-اروپایی به دو شعبه هندو-ایرانی و اروپایی تقسیم می شدند . «زبان های لکی و لری در زمره ی زبان های هندو -ایرانی قرار می گیرند که این زبان ها به نوبه ی خود به دو گروه هندی و ایرانی تقسیم می شوند .» (امان الهی ، ۱۳۷۴، ۵۱)

به نظر می رسد رابطه ی نزدیک زبان لری با زبان انگلیسی معلول مهاجرت لرها به آسیا و شهرهای غربی (امریکا و اروپا) می باشد به طوری که بسیاری از واژگانی که در زبان انگلیسی به کار رفته است با اندک تغییری در زبان لری منطقه ی کهگیلویه و بویر احمد رواج دارد که در زیر به نمونه ای از این واژگان مشترک اشاره می کنیم .

معنی واژه	زبان انگلیسی	زبان لری منطقه ی کهگیلویه و بویر احمد
سرد	cool	کول
سرفه کردن	kof	کفه
خرد شدن	wrack	رکسن

جرعه نوشیدن	gelop	گلپ
این واژه در زبان لکی هم به این معنی آمده است. (عسکری عالم، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹)		
بیضه	gond	گند
شعله ور	bleiz	بلازه
شدن		
این واژه در لهجه لکی به صورت " بلاچه " آمده است. (عسکری عالم، ۱۳۸۴، ص ۴۳)		
تار وپود	knit	نیت
وبافتن		
انگشت زدن	finger	فینگر
رفتن از	tour	تور
جایی به جایی		
این واژه در لهجه لکی به معنی " قهر کردن " آمده است.		
بینی	nose	نفت (با ضم نون)
پستان	gland	گلند
گاو		
چین	ker	کر (با کسر کاف)
وچروک		

لب	chilo	چیل
		پایین
حرف	pela-pela	پلا پلا
		های بیهوده
لبه	borm	برم (با ضم ب)
		پشت بام
سو	blik	بلیک
		سو زدن

در این مقایسه مشاهده می کنیم که واژگان هر دو زبان بسیار به هم نزدیک است و این موضوع را اثبات می کند که منشا هر دو زبان یکی است (هندواروپایی) که هر کدام از این دو زبان در طول تاریخ تحولات مختلفی را به خود دیده اند .

### ۳- رابطه زبان لری با زبان عربی :

عباس اقبال آشتیانی در باره پیوند قوم لر با اعراب می گوید «طوائف لر بزرگ بین فارس و عراق عجم و عراق عرب و شولستان بوده و با اتابکان فارس و خلفای بغداد ارتباط داشته و از همه مهم تر مساکن ایشان بر سر راه عراق عرب و دره کارون و کرخه به فارس و سواحل دریا قرار داشته است . » ( اقبال آشتیانی ، ۱۳۸۶ ص ۶۹۶ ) همچنین در منتخب التواریخ آمده « قومی بسیار و حشمی از جبل السماق شام بیامده بودند مثل گروه عقیلی از نسل عقیل بن ابی طالب و جمعی هاشمی از نسل هاشم بن عبد



مناف و دیگر طوایف متفرقه از هر جایی متوجه ممالک و سرزمین لر بزرگ گشتند.» ( نظری، ۱۳۳۶، ص ۴۰)

امان الهی معتقد است « در زمان ورود اعراب بر مناطق مختلف ایران، لرها چون دیگر ایرانیان با پذیرفتن اسلام توانستند نه تنها زبان، بلکه بسیاری از جنبه های فرهنگی قدیم را نگهدارند. از سویی باید گفت آن عده از اعراب که به میان لرها آمده اند به تدریج زبان و فرهنگ لری را پذیرفته و لر شده اند» ( امان الهی، ۱۳۷۴، ص ۳۲)

گرچه تعدادی از محققین از جمله باقری بر این باورند که «ورود واژه های عربی در زبان فارسی از آغاز دوره جدید تا حدود قرن هفتم هجری که زمان حمله ی مغول است به وسیله ی صاحبان مشاغل و مناصب دولتی و منشیان و ماموران عالی رتبه دستگاه خلافت به صور گوناگون بسیار بارز است» ( باقری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳) و همچنین حمد الله مستوفی معتقد است در زبان لری، الفاظ عربی بسیار است (مستوفی، ۱۳۶۳، ص ۵۸۳) نگارنده سخت بر این باور است زبان لری که خود باز مانده ی فارسی باستان و فارسی میانه است بر زبان عربی تاثیر بسزایی داشته است که در این بخش به تعدادی از این واژه ها اشاره می کنیم.

معنی	واژه های عربی	واژه های لری
------	---------------	--------------

بالا پوش	قرطه	کرتگ
----------	------	------

این واژه در لهجه لکی به صورت " کرتِه " و به همین معنی آمده است. ( عسکری عالم، ۱۳۸۴، ۱۸۲)

گودال	خندق	کندال
-------	------	-------

این واژه در فارسی میانه کندک kandak بوده است .

ورد (با ضم واو )	ورد	وارد شدن به چشمه ،
چشمه		
بهت	بهتان	تحقیق کردن -تهمت زدن -
نفرین		
در واژه نامه گویش بختیاری معادل بهتان " بختم " آمده است . ( سرلک ، ۱۳۸۱ ، ۳۴۵ )		
شل وشلال	شل	زخمی شدن - خشک
شدن		
غوت	غت	فرو بردن
بر ویابان	بر	خشکی در مقابل
بحر		
ریع =ریع	ریع	زیاد شدن -باقیمانده
چیزی		
دمری	دمر =تدمیر	واژگون شدن
سمه =سم	السم	سوراخ ریز
جر	جرار (لشکر جرار)	جنگ
و.جنگنده		

دهان ، حرفی که از

کلمه

کلم

دهان خارج شود

پوست بر کنندن ،

سلی

سلیت

لخت کردن

کند

کل،سیف کل

کل

این واژه در لهجه لکی و گویش بختیاری به همین معنی آمده است . ( عسکری عالم ، ۱۳۸۴ ، ۱۸۶ و

سرلک ، ۱۳۸۱ ، ص ۳۷۳ )

با مقایسه واژگان هر دو زبان به این نتیجه می رسیم با توجه به قدمت زبان لری که از فارسی باستان و

فارسی میانه منشعب می شود ،تاثیر زبان لری بر زبان عربی روشن و آشکار است . البته راه تحقیق و

پژوهش در این زمینه همچنان باز است .

## نتیجه گیری

آنچه از این پژوهش مختصر نتیجه می گیریم این است که زبان لری (منطقه کهگیلویه و بویراحمد) که شاخه ای از زبان های هندواروپایی و بعد از آن جزء زبان های جنوب غربی ایران است از فارسی باستان و فارسی میانه گرفته شده است و فارسی امروزی شکل تکامل یافته ی آن است. این زبان با یکی از شاخه های زبان های اروپایی (انگلیسی) ارتباط خویشاوندی دارد. همچنین بر این باوریم این زبان با یکی از شاخه های زبان سامی (عربی) ارتباط نزدیکی دارد. این پیوند متقابل بوده و از طریق قوم لر ساکن در جنوب عراق و اعراب ساکن در مناطق مختلف ایران به خصوص سرزمین های لرنشین صورت گرفته است.

کلید

## فهرست منابع

آشتیانی اقبال، عباس، ۱۳۸۶، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، چاپ اول، تهران، انتشارات گهبد

امان اللهی بهاروند، سکندر، ۱۳۷۴، قوم لر، انتشارات آگاه

باقری، مهتری، ۱۳۷۶، تاریخ زبان فارسی، تهران، نشر قطره

جمال زاده، محمد علی، ۱۳۸۲، فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمدجعفر محجوب، چاپ دوم

، انتشارات سخن

راولنیسون، هنری، ۱۳۶۰، سفرنامه راولنیسون، گذر از زهاب به خوزستان، ترجمخ سکندر امان اللهی

بهاروند، تهران انتشارات آگاه

سر لک، رضا، ۱۳۸۱، واژه نامه گویش بختیاری، تهران، نشر آثار

صادقی، علی اشرف، ۱۳۵۷، زبان های ایرانی، تهران، چاپخانه مرکز تولید انتشارات دانشگاه آزاد

اسلامی

عسکری عالم، علی مردان، ۱۳۸۴، فرهنگ واژگان لکی به فارسی

نطنزی، معین الدین، ۱۳۳۶، منتخب التواریخ، تهران، خیام